

ای مجید بشنودای این محزون را ...

حضرت بهاءالله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاءالله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۱۹۳

جناب مجید

هو البدیع

ای مجید بشنودای این محزون را که قسم بآفتاب افق عزّ تجرید که از اول ابداع تا حال چنین ظلم بر احدی وارد نشده چرا آسوده نشسته‌ای آیا نعمات بدعم را فراموش نموده و یا معاشرت ناس آن جناب را غافل نموده تو صبر و حلم و سکونم را دیده‌ای حال تفکر نما که چه وارد شده که سبب ضجیح و صریخ و ندبه جمال احدیه شده فوالله الذی لا اله الا هو که اگر شربت شهادت از اشتر ناس مینوشیدم البتّه نزد ارجح از این بوده که این امور که سبب ذلت امر بوده مابین ناس شایع شود فوالله یکی نفسی و عینی و قلبی و قلبی و من زفراقی ینوح سگان الفردوس ولكنّ الناس هم لا يشعرون و لا یسمعون ای مجید تو میدانی که چه مقدار در علو امر الهی بجان ایستادم تا آنکه امر بمقامی رسید که ملاحظه نمودی و بعد اول محبتی که باین مظلوم شد این بوده که بر قلم ایستاده و در قطع شجره ربّانیه کمال جهد نموده‌اند و چون اشتهار یافت این غلام خارج منفرداً عن الكلّ در بیت دیگر ساکن که شاید نار غلّ و بغضا ساکن شود بعد قاصد گرفته بجمع اطراف نوشته که کمر قتل مرا بسته‌اند و آنچه را مرتکب شده و در نفسش بوده بسدره لایعرف نسبت داده و حال آنکه تو میدانی که اگر این عبد اراده ضرّش مینمود ابداً موجود نبود و چون نوشته او ملاحظه شد تکلیف دیده که ناس را اخبار از امور نمایم که مبدا از کلمات جعلیه که مسطور داشته عباد از سبیل منیر منحرف شوند فوالله توحد بالعظمه و الکبریا که اگر بعد از خروج این عبد ساکن میشد ابداً این عبد ذکر نمینمود و از جمله نوشته که برای نان از من خارج شده‌اند رذالت و پستی نفس را ملاحظه کن که چه گفته و چه کرده خود آن جناب تأمل نماید و این غلام را ساها دیده و معاشرت نموده‌ای با تقدیس کبری و تنزیه عظمی اینگونه مفتریات بمالک اسماء و صفات لایق است لا فونفس الله المهیمن القیوم ذکر مصایم از لسان و قلم هر دو خارج شده انما اشکوبتی و حزنی الی الله باری در اعراض آن جناب از امر الله کمال تدبیر خواهند نمود ای صنفی تو در مابین کلّ عباد در اول امر بنفس الله فایز شدی و بین یدی الوجه مؤمن شدی بایست بر امر بشائی که از استقامت کل مستقیم شوند



ORIGINAL